

نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ مشارکت

سارا میرشکاری

دانش‌آموخته‌ی الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم و معارف قرآن کریم واحد شیراز

Sara.mirshekari1125@gmail.com

چکیده

مشارکت از مفاهیم بنیادین در زیست بشری و پدیده‌ای همیشه همراه با نوع بشر از کهن‌ترین اعصار تا به امروز بوده است و انسان به سبب زیست‌گروهی و جمعیت‌اش اساساً نمی‌تواند از مشارکت به دور باشد. طبیعت انسان مبتنی بر زیست‌مشارکتی است و به خودی خود این پدیده را در خود دارد، اما مانند هر پدیده ذاتی دیگر، لازم است که مشارکت نیز آموخته شود و علاوه بر جنبه‌های ذاتی‌اش، در حوزه اکتسابی نیز پرورش یابد. توسعه و تعمیق مشارکت از اهم مباحث تعلیم و تربیت معاصر است. بدون تردید آگاهی از نظریات مردم، دانشمندان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، زمینه را برای ارتقای مشارکت و نظارت مردم در آموزش و پرورش هموار می‌سازد. رسیدن به این مهم مستلزم آن است که مدیران، مجریان و دست‌اندرکاران جهت بهینه‌سازی تصمیمات و بهبود روش‌ها و برخورداری از بالاترین بهره‌وری در ابعاد مادی و معنوی، ضمن بهره‌گیری از اطلاعات و تجربیات شخصی، خود را از تجربیات، ابتکارات و عملکرد دیگر نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف که سیستم مشابه دارند و توفیقاتی یافته‌اند، بی‌نیاز ندارند. در این مقاله ضمن بررسی مفهوم مشارکت، به روش تحلیلی و توصیفی به بررسی نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ مشارکت پرداخته می‌شود و هدف رسیدن به تصویری شفاف از میزان تأثیرگذاری آموزش و پرورش در بسط و توسعه مشارکت در جامعه بشری است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مشارکت می‌تواند با محتوای متسبب درسی و نیز به شیوه عملی در آموزش و پرورش به خوبی ترویج شود و نسلی برای آینده تربیت شود که مطابق با این آموزه والای الهی و انسانی رشد یافته باشند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، فرهنگ، فرهنگ مشارکت، آموزش و پرورش.

۱- مقدمه

آموزش و پرورش ساز و کار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است. در این مفهوم آموزش و پرورش فراگردی است که به واسطه آن مجموعه اعتقادات، ارزش ها، هنجارها، دانش و مهارت های جامعه به نسل جدید منتقل می گردد. مشارکت از دیر باز یکی از ابزارهای مهم زندگی انسانی و همواره رو به تکامل بوده است. کانون خانواده بر پایه مشارکت استوار است و هدف های آن از راه مشارکت آسانتر به دست می آید. ادیان الهی و مذاهب گوناگون، مشارکت را زمینه ای برای کوشش های عبادی و سیاسی پیروان خود می دانند و آن را ابزار نیرومند اداری و سیاسی تلقی می کنند. آموزش و پرورش بنا به رسالت خود فرهنگ ساز مشارکت نیز هست لذا توجه به مشارکت و مدیریت مشارکتی را باید ابتدا از درون خود آغاز کند و سرانجام آن را در جامعه و نهاد های آن گسترش دهد. کشورمان اکنون در مسیر حرکت شتابان خود درصدد بهره مندی از قابلیت ها و ظرفیت های بالقوه در ابعاد مختلف، در کشور پهناورمان ایران برآمده و عزم آن دارد تا بطور بنیادی با استمرار و مشارکت مردم در همه عرصه ها بویژه تعلیم و تربیت کشور از تجارب کشورهای موفق در آموزش و پرورش، نظام مشارکت را مستقر سازد. نظام آموزشی باید در کنار آموزش های رسمی و کلاسیک و برنامه ریزی شده در زمینه مهارت های اجتماعی و نحوه مشارکت دانش آموزان به صورت عملی برنامه ریزی کند (نورانی، ۱۳۸۰: ۲۱). دانش آموزان و جوانان زمانی مفید هستند که بتوانند مسائل اجتماع را از طریق ایفای نقش درست حل کنند. یکی از پدیده هایی که می تواند نقش جوانان را در حل مسائل جامعه کاربردی کند شکل گیری تفکر مشارکتی در آنان است. بنابراین نظام آموزشی با سازوکارهای زیر می تواند و باید به نهادی کردن تفکر مشارکتی کمک کند. نگاهی به اهداف، اصول و فلسفه توسعه پایدار روشن می سازد که پایداری توسعه در گرو مشارکت مردم یک کشور در برنامه ریزی و اجرا و ارزشیابی طرح ها است. در توسعه پایدار مردم ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می دهند و هدف توسعه نیز ایجاد شرایطی است که مردم بتوانند از عمر طولانی و زندگی سالم بهره مند شوند. به عبارت دیگر توسعه وسیله ای برای رشد و تعالی انسان ها است و لذا انسان بالاترین اهمیت را در توسعه دارد. توسعه پایدار علاوه بر توجه به مسایل اقتصادی، به مقدار زیادی به سمت اهداف انسانی و اجتماعی و فرهنگی گرایش دارد، در نتیجه مردم و عدالت اجتماعی در این توسعه، اهمیت فراوانی دارند برای دستیابی به عدالت اجتماعی مشارکت مردم در امور اقتصادی و اجتماعی، سیاسی یک مسأله بنیادی است. مطالعه چگونگی مشارکت مردم در امور جامعه بعنوان رکن مهم توسعه سیاسی، اجتماعی و حیات مدنی است (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۱-۱- بیان مسئله

چنان که گفته شد، توسعه و تعمیق مشارکت از اهم مباحث تعلیم و تربیت معاصر است. مشارکت از دیرباز با زندگی انسانها پیوند داشته و زمان پیدایش آن به آغاز پیدایش خانواده و زندگی مشترک بین زن و مرد بر می گردد، به گونه ای که در این ارتباط، رشد و بالندگی آن ها فراهم شود. به تدریج مشارکت در زمینه های دیگر، مانند کار و صنعت، راه خود را گشود و سرانجام مردمان حق آن را یافتند که در تعیین سرنوشت خود صاحب اختیار شوند و در طراحی آینده خود مشارکت جویند. امروزه مشارکت را دانش نوین و علم رو به ظهور می دانند. محور توجه این علم جدید از عمل متقابل اجزا نشأت می گیرد. این علم به بررسی و کشف قابلیت و توانایی گسترده اطلاعات نظام های مشارکتی مبادرت می کند، همچنین چگونگی تأثیر رفتار را در هنگامی بررسی می کند که نظام پیچیده تر از آن است که بتوان روی آن نظارت داشت (عزیزی، ۱۳۹۲: ۷۶). بدون تردید آگاهی از نظریات مردم، دانشمندان و دست اندرکاران آموزش و پرورش زمینه را برای ارتقاء مشارکت و نظارت مردم در آموزش و پرورش هموار می سازد. رسیدن به این مهم مستلزم آن است که مدیران، مجریان و دست اندرکاران جهت بهینه سازی تصمیمات و بهبود روش ها و برخورداری از بالاترین بهره وری در ابعاد مادی و معنوی، ضمن بهره گیری از اطلاعات و تجربیات شخصی، خود را از تجربیات، ابتکارات و عملکرد دیگر نظام های آموزشی کشورهای مختلف که سیستم مشابه دارند و توفیقاتی یافته اند بی نیاز ندارند. شکی نیست که تفاوت های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اعتقادی و جغرافیایی ملت های مختلف، نظام های آموزش و پرورش متفاوتی را به وجود می آورد و اقتباس یک ساختار، برنامه محتوی و سازمان و یا روش تربیتی از یک کشور بدون توجه به فرهنگ ارزش ها و نیازهای اجتماعی و اقتصادی مربوط به آن اشتباه بزرگی است که می تواند یکی از

عوامل تهدید کننده در جهت انحراف نظام شورایی آموزشی و پرورش باشد و باید توجه داشت که کسب تجربه ها و یافته های دیگران با تقلید کورکورانه متفاوت است و عاقلانه ترین منش، استفاده از بهره برداری از تجربه های دیگران است (طوسی، ۱۳۷۱: ۵۴). در این مقاله، مسئله اصلی بررسی میزان تأثیر آموزش و پرورش در بسط و توسعه فرهنگ مشارکت است. این آموزه الهی و انسانی چه جایگاهی در نظام آموزشی دارد و آموزش و پرورش چگونه می تواند به توسعه آن در میان کودکان و نوجوانان بپردازد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

مشارکت از مفاهیم اصلی در میان همه فرهنگ ها، اقوام و ملل و ادیان است و جای تعجب نیست که درباره آن پژوهش های فراوانی صورت گرفته است. به طور خاص درباره نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگ مشارکت نیز پژوهش های فراوانی شده است که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود:

- عزیزی، نعمت الله. (۱۳۹۲). «موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران: موردکاوی مدارس غیرانتفاعی». *مجله علوم تربیتی*. شماره ۹۷. صص ۷۵-۹۴. در چکیده این مقاله می خوانیم: این پژوهش با هدف بررسی موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران (موردکاوی مدارس غیرانتفاعی) از دیدگاه مدیران و صاحب نظران حوزه اقتصاد آموزش انجام گرفت. نمونه آماری عبارت بود از ۲۸۴ نفر از مدیران مدارس غیر انتفاعی پسرانه شهر تهران و ۱۰ نفر از صاحب نظران اقتصاد آموزش دانشگاه های تهران که به ترتیب با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای و روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه ای مشتمل بر ۶۲ گویه از عوامل موثر در عدم توسعه مدارس غیر انتفاعی در دو بخش عوامل طرف تقاضا و طرف عرضه بود. برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این است که نگرش منفی و عدم اعتماد دولت به بخش خصوصی برای فراهم سازی آموزش، هدف تک بعدی از مشارکت، عدم انگیزه ای بخش خصوصی برای حضور در بازار آموزشی و عدم پیش نگرانی امکانات و اقدامات تسهیل کننده ای حضور بخش خصوصی از مهم ترین موانع گسترش مدارس غیر انتفاعی از دیدگاه مدیران و صاحب نظران بوده است.

- نجفی هزارجریبی، حبیب الله. (۱۳۸۸). «شناسایی عوامل درون سازمانی مشارکت معلمان در طرح اقدام پژوهی چالشی جدید در حوزه آموزش و پرورش». *مجله پژوهشنامه تربیتی*. شماره ۱۹. صص ۱۰۰-۱۱۳. این مقاله به بررسی عوامل بازدارنده درون سازمانی مشارکت معلمان در طرح معلم پژوهنده می پردازد. طرح معلم پژوهنده و اقدام پژوهی نوآوری جدیدی در نظام آموزش و پرورش کشور است. اقدام پژوهی روشی جدید برای بهبود عملی، نوآوری، تغییر و توسعه اقدام های آموزشی و اجتماعی است. در این پژوهش ۳۸۴ نفر از معلمان با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شده و به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند. نتایج بیانگر آن است که کمبود آگاهی و اطلاعات معلمان یکی از مهمترین عوامل بازدارنده مشارکت آنان در طرح اقدام پژوهی است. همچنین کمبود امکانات و دیگر منابع علمی پژوهشی، نگرش و عمل مدیران، کمبود وقت، کمبود توجه یکسان به دوره های تحصیلی، عدم توجه به جنسیت و رجحان تصمیم های بدون اتکا بر تحقیق از موانع دیگر درون سازمانی مشارکت معلمان در طرح اقدام پژوهی می باشد.

- اروجلو، رقیه. (۱۳۹۵). «مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش». *مجله پیوند*. شماره ۴۴۱. صص ۳۱-۳۵. در این مقاله می خوانیم: چالش ها و موانع مشارکت در آموزش و پرورش به طور کلی چالش ها و موانع مشارکت مردم در آموزش و پرورش را می توان به شرح زیر تقسیم و ارایه کرد: (۱) موانع فکری و نگرشی یکی از عمده ترین موانع مشارکت در کشورما، ناشی از کاستی در اندیشه هاست «عدم احاطه و تسلط فکری، نبود اندیشه های ورزیده، وسیع و عمیق فلسفی و فکری درباب ابعاد و جوانب مختلف موضوع تعلیم و تربیت و نیز اداره سیستم های آموزشی، درمیان سیاست گذاران، برنامه ریزان و مدیران نظام آموزشی، همچنین نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه ها و تفکرات افرادی بیرون از پست های خاص، که در مرکز این سیستم متمرکز قرار دارند، آن را از نعمت وجود پتانسیل های علمی، فکری و تخصصی والدین با انگیزه و متعهد نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود، محروم ساخته است. از موانع دیگر مشارکت، می توان به اعتماد ناکافی مدیران

آموزشی نسبت به مردم، به ویژه صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و اهل فن، کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش، برنامه‌ها و اهداف آن، نابسامانی و موازی کاری در واحدهای اداری ذی ربط برای جلب مشارکت والدین، نظیر برنامه‌های بودجه و منابع ناکافی برای انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی، بی‌توجهی و عدم توانایی مدیران در بهره‌برداری از پتانسیل‌های سازمان‌های غیردولتی و ضعف در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه اشاره کرد.

- تورانی، حیدر. (۱۳۸۰). «تعلیم و تربیت: مفهوم مشارکت و فرآیند آن در آموزش و پرورش کشور». *مجله رشد معلم*. شماره ۱۶۴. صص ۲۰-۲۱. البته با توجه به گونه‌گونی‌های مشارکت‌ها، با تغییر نگرش مسؤولان نسبت به مشارکت‌ها و مفهوم و مصادیق آن، انتخاب مدیران آگاه به امر مشارکت در مدارس، مسؤولیت‌پذیری و ایفای نقش مشارکت‌جویانه و فعال معلمان و دانش‌آموزان در اداره مدرسه، آگاه‌سازی مردم به ویژه اولیای دانش‌آموزان و ایجاد اعتماد و ارتباط نزدیک و صمیمانه با مردم، ارتقای وضعیت معیشتی و فرهنگی مردم از سوی دولت، کیفیت بخشی آموزش و پرورش و برنامه‌های مدارس از طریق اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی، به ویژه کتب درسی و کمک درسی و فن‌آوری آموزشی و نهادینه و قانونمند کردن اقدامات خیرین، از قدم‌های مؤثری است که باید به آنها در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورشی، به ویژه در برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سوم کشور، توجه شود.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

مشارکت از مهم‌ترین مقوله‌ها در زیست بشری است. از یک سو مشارکت مورد تأکید ادیان الهی است و آیات و احادیث فراوانی در دین مبین اسلام در توصیه و تأکید بر آن موجود است و همواره مشارکت به عنوان شیوه‌ای برای زندگی احسن مورد سفارش بزرگان دین معرفی شده است و از سوی دیگر اخلاق‌گرایان و علمای علم اخلاق نیز بر آن تأکید فراوان داشته‌اند. همچنین زیست بشری در عمل مبتنی بر مشارکت بوده است و از نخستین برهه‌های پیدایش بشر بر پهنه هستی شاهد زیست مشارکتی انسان‌ها بوده‌ایم. نوع بشر برای دوام آوردن در برابر شداید و مشکلات طبیعی و درندگان و نیز برای شکار و کشاورزی، نیازمند مشارکت بوده‌اند. از این رو مشارکت از مهم‌ترین مفاهیم در زیست نوع بشر است و پژوهش درباره آن اهمیت و ضرورت فراوان دارد. نیز آموزش و پرورش نهادی است که از جهت تعلیم و تربیت انسان‌ها نقشی پررنگ و مهم دارد و در بسط و ترویج فرهنگ مشارکت نیز می‌تواند تأثیر فراوان داشته باشد. بنابر آنچه گفته شد، تحقیق درباره سهم و نقش آموزش و پرورش در بسط و ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت، دارای اهمیت و ضرورت فراوان است.

۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است. داده‌های به کار آمده در پژوهش نیز به روش سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای فراهم آمده است.

۲-۲- بحث

۱-۲- تعریف مشارکت

تاکنون از مشارکت تعاریف بسیاری به عمل آمده، گستردگی مفهوم مشارکت و تعبیرهای متعدد از آن یکی از ویژگی‌های خاص این مفهوم است. محسن تبریزی در تعریف مشارکت، بر ارادی بودن فعالیت‌های مشارکتی تأکید نموده است از نظر وی مشارکت به آن دست از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به طوری مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت راهکاری سریع و منعطف جهت دست‌یابی به منابع و مهارت‌های مکمل می‌باشد. مشارکت، شکاف بین منابع موجود سازمان و الزامات مورد نیاز آینده را پر می‌کند و با ارایه دسترسی سازمان به منابع بیرونی و نیز با ایجاد هم‌افزایی، ترویج یادگیری و تغییر سریع، رقابت جویی سازمان را افزایش می‌دهد. مشارکت باعث تسهیم هزینه‌ها و مخاطرات، صرفه‌جویی اقتصادی، کسب دانش و مهارت برای سازمان می‌گردد. امروزه همکاری و مشارکت بین افراد در سازمان به عنوان یکی از ابزارهای مدیریت جهت بهبود رقابت‌پذیری سازمان بویژه در محیط‌های پیچیده در آمده است.

۱-۱-۲- تعریف لغوی مشارکت

واژه مشارکت یک کلمه‌ی عربی و بر وزن مفاعله است. مشارکت در فرهنگ معین به معنای شرکت دادن، انبازی کردن و همین طور به معنای تعیین سود یا زیان دو یا چند تن که با سرمایه‌ی‌های معین در زمانهای مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند آمده است. دهخدا نیز در لغت نامه‌ی خود این مفهوم را مأخوذ از تازی و به معنی شراکت و انبازی کردن و حصه‌داری و بهره‌برداری میدانند. همچنین عده‌ای مشارکت را از لحاظ لغوی به معنی کمک فعال و واقعی مشخص به یک عمل می‌دانند. آلن بیرو می‌گوید: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است، به همین جهت از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت بعنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت بعنوان عمل و تعهد مشارکت) تمیز قائل شده واژه مشارکت معادل واژه «participation» لاتین است که از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. در فرهنگ بین‌المللی و بستر معانی زیر برای اصطلاح «participation» آمده است: عمل یا وضعیت شرکت جستن، بهره‌وری در چیزی، مشارکت بر اساس رابطه خویشاوندی که بیش از یک نفر در آن شرکت داشته باشند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مشارکت»، سلطانی، ۱۳۸۱: ۶۲).

۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی مشارکت

مفهوم مشارکت قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود تعاریف مختلفی به خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده‌پیدایش اجتماعی - انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است. به نظر حال تعارض بین دیدگاه‌های عمل‌گرایانه و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده است که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی شود و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود. به دلیل همین پیچیدگی است که تعریف واحدی از مفهوم مشارکت نمی‌توان یافت که همه صاحب‌نظران روی آن توافق داشته باشند (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

سازمان بین‌المللی کار، (I.L.O) مشارکت را سهم افراد یا گروه‌های سازمان یافته و جمعیت فعال، از لحاظ اقتصادی در تسریع اقتصادی و اجتماعی بیان می‌نماید. همچنین در تعریف مشارکت گفته شده: مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک چارچوب سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف خودشان هستند. در نتیجه، مشارکت فرایندی فعال است که هر یک از مشارکت‌کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. مشارکت، فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آنرا متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ مبادرت به کنش و عمل جمعی؛ تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیتها و نظارت بر فرایند مشارکت دیگر جنبه‌های مشارکت هستند (تصدیقی، ۱۳۸۱: ۵۲).

یونسکو نیز مشارکت را فرایندی برای خودآموزی اجتماعی و مدنی؛ حق بشر و پیش شرط توسعه می‌داند و معتقد است توسعه باید از مردم و از آنچه می‌خواهد و از آنچه می‌اندیشند و باور دارند آغاز شود. تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه‌ی مدنی به واسطه‌ی بسط و گسترش مشارکتهای اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. نهادهای مدنی، تشکلهایی مردمی و غیر دولتی هستند که در حد فاصل توده‌های مردم با دولت وجود می‌آیند و بخشی از مردم را برای دست‌یابی به هدفی مشخص، و در یکی از حوزه‌های اجتماعی سازماندهی می‌کنند. دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان یافته‌ی مردم تشکیل می‌گردند بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، شرکتهای تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می‌توانند مثال‌هایی از نهادهای مدنی باشند. بنابراین مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد.

شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیر دولتی است (سلطانی، ۱۳۸۱: ۶۲).

۲-۲- انواع مشارکت

به لحاظ موضوعی، مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ... تقسیم‌بندی می‌کنند. اما باید توجه داشت که تفکیک دقیق آن‌ها به دلیل درهم‌تنیدگی، هم‌پوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن امکان‌پذیر نیست و معمولاً یا به صورت عام از مشارکت بحث می‌شود و یا به صورت ترکیبی، مانند: مشارکت اجتماعی-سیاسی و اقتصادی.

۲-۲-۱- مشارکت اقتصادی

در واقع «مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند. مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها، سازمان‌یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی‌اند. در کل می‌توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس‌انداز سرمایه‌گذاری بیشتر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است (سلیمی، ۱۳۸۰: ۶۵).

۲-۲-۲- مشارکت سیاسی

درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از: «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیرنهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت. آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیرگذار است گرفته می‌شود. از طرفی حیث اولوف پیترسون، مشارکت سیاسی را به عنوان تلاش‌هایی که با هدف تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌نماید (همان: ۶۶).

۲-۲-۳- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند، که در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین عرصه شکل‌گیری و سامان‌دهی فعالیت‌های مشارکتی در جامعه محسوب می‌گردند از این منظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد. انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورند. از یک طرف تشکل‌های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آن‌ها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند. حضور در عرصه مشارکت اجتماعی، حضوری است فعالانه، با انگیزه، فارغ از الزامات و تعیین‌های تحمیلی. از این رو می‌توان گفت مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که آگاهی، داوطلبانه بودن و غیرحکومتی بودن از خصایص عمده آن است. به طور کلی می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد مثل عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های مذهبی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، ستادهای بازتابی و کوتاه‌مدتی، احساس مسئولیت در قبال هموعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنان، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس، اعیاد ملی-مذهبی و غیره است (طوسی، ۱۳۷۱: ۵۴).

مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. مشارکت عنصری پویا، کمیت‌ناپذیر و تا حدودی غیر قابل پیش‌بینی و دگرگون‌کننده شرایط است (همان: ۵۵).

۴-۲-۲- مشارکت فرهنگی

در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی در جوامع چندفرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی در جوامع چندقومی از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی می‌باشد (عزیزی، ۱۳۹۲: ۷۶).

۵-۲-۲- مشارکت روانی

این نوع مشارکت مورد تاکید روان‌شناسان اجتماعی است، و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها و شکستن عقاید قالب نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۳-۲- تأثیر آموزش و پرورش در ترویج مشارکت

نظام آموزشی باید در کنار آموزش‌های رسمی و کلاسیک و برنامه‌ریزی شده در زمینه مهارت‌های اجتماعی و نحوه مشارکت دانش‌آموزان به صورت عملی برنامه ریزی کند. دانش‌آموزان و جوانان زمانی مفید هستند که بتوانند مسائل اجتماع را از طریق ایفای نقش درست حل کنند. یکی از پدیده‌هایی که می‌تواند نقش جوانان را در حل مسائل جامعه کاربردی کند شکل‌گیری تفکر مشارکتی در آنان است. بنابراین نظام آموزشی با سازوکارهای زیر می‌تواند و باید به نهادی کردن تفکر مشارکتی کمک کند. برخی از راهکارهای ترویج و توسعه فرهنگ مشارکت از طریق آموزش و پرورش عبارت است از:

۱-۳-۲- دانش‌آموز محور بودن آموزش

تا زمانی که نظام آموزشی براساس ساختارهای متمرکز و تعریف شده عمل کند، مشارکت شکل نمی‌گیرد. در نظام‌های آموزشی رسمی و متمرکز، همه تصمیمات و فرآیندها توسط نهادهای مشخص تعیین شده و جهت اجرا به معلم و دانش‌آموز ابلاغ می‌شود. تغییر ساختار آموزشی از برنامه محوری به دانش‌آموزمحوری سبب می‌شود دانش‌آموزان در تصمیماتی که مربوط به سرنوشت آنان است، شرکت کرده و حساسیت از خود نشان دهند. زمانی که دانش‌آموزان به لحاظ ساختاری، خود برنامه ریزی کنند از درون خود را وادار به اظهارنظر و ارائه پیشنهاد کرده و به تفکر واداشته اند (احراری، ۱۳۸۲: ۶۴). به طور کلی دانش‌آموز محور شدن در ابعاد زیر به نهادی شدن تفکر مشارکتی کمک می‌کند:

۱. دانش‌آموزان مولفه‌های برنامه ریزی را خود تعیین می‌کنند.

۲. نظرات یکدیگر را به راحتی کامل می‌کنند.

۳. همیاری شکل می‌گیرد.

۴. شخصیت افراد رشد یافته و متعادل می‌شود.

۵. باعث ایجاد احساساتی چون اعتماد به نفس، ارزشمند بودن، احساس قدرت، لیاقت، کفایت و مفید و موثر بودن در

شخص می‌شود (اروجلو، ۱۳۹۵: ۳۴).

۲-۳-۲- به کارگیری الگوی آموزشی مشارکت‌جو

اجرا و پیاده‌سازی روش‌های جمعی و گروهی در آموزش به صورت فرآیندی دانش‌آموزان را با نحوه مشارکت آشنا می‌کند. الگوهای آموزشی مشارکتی از دو بعد به فرهنگ مشارکت کمک می‌کند؛ از یک طرف آموزش جمعی شده و دانش‌آموزان از همدیگر یاد می‌گیرند و به هم یاد می‌دهند و از طرف دیگر روش‌های جمعی کار کردن را در عمل یاد می‌گیرند و تعامل این دو فرآیند آنها را برای زندگی اجتماعی و سازمانی آماده می‌کند (تصدیقی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۳-۲-۳- انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی مشارکت‌ساز

انتخاب محتوایی که در آن مشارکت فراگیران نقش اساسی داشته باشد، باعث ترویج فرهنگ مشارکت می‌شود. محتواهایی که به صورت یکنواخت و یکسان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد موجب رکود بازار مشارکت شده و دانش‌آموزان به این روند عادت می‌کنند. به کار بردن اصول زیر به نهادی شدن تفکر مشارکتی کمک می‌کند.

۱. ارتباط محتوا با زندگی واقعی
۲. ناقص بودن محتوای آموزشی و تکمیل آن توسط فراگیران
۳. رقابتی بودن محتوا
۴. جمع آوری و تدوین مطالب توسط دانش‌آموز (سلطانی، ۱۳۸۱: ۶۲)

۴-۳-۲- طراحی ساختارهای مشارکت‌زا

از طریق طراحی ساختارهای مشارکت‌زا در نظام آموزشی می‌توان دانش‌آموزان را مشارکت‌جو تربیت کرد. زمانی که دانش‌آموزان استعداد، توان و تمایل به همکاری داشته باشند اما ساختاری برای جهت دادن به مشارکت وجود نداشته باشد بعد از مدتی تب و تاب مشارکت پایین آمده و از بین می‌رود. با طراحی ساختارهای آموزشی می‌توان تفکر مشارکتی را از طریق نظام آموزشی در جامعه نهادی کرد. ساختارهای مشارکت‌زا از طریق طراحی حلقه‌های کیفیت فراهم می‌آید. هر حلقه کیفیت در آموزش گروه کوچکی است که به طور منظم و داوطلبانه حین تدریس برای شناسایی و تحلیل و حل مسائل تدریس‌گرد هم می‌آیند و برای پیشبرد عملکرد و غنا بخشیدن به زندگی تحصیلی به تبادل نظر می‌پردازند (طوسی، ۱۳۷۱: ۵۴).

۵-۳-۲- طراحی نظام پیشنهادها

نظام پیشنهادها در آموزش و پرورش تجلیگاه ابتکارات و خلاقیت‌های فردی و گروهی در بین دانش‌آموزان و معلمان است و باعث گسترش روحیه مشارکت و پویایی و بهبود فرآیند کار می‌شود. به طور کلی نظام مشارکت در آموزش و پرورش اهداف زیر را دنبال می‌کند.

۱. اشاعه فرهنگ همکاری داوطلبانه در سطح دانش‌آموزان و معلمان
۲. تقویت تعهد کلاسی
۳. بهبود جمعی کار یادگیری و تدریس
۴. تقویت انگیزه جمعی در اظهار نظر (عزیزی، ۱۳۹۲: ۷۶).

۶-۳-۲- حاکم کردن روحیه تفکر علمی و پژوهشی در جوانان

مدرسه باید تحقیق و پژوهش را راهگشای مشکلات جامعه بداند. جوانان باید در مدرسه به این باور مشترک برسند که در زمینه‌های مختلف باید به تفکر و تحقیق و پژوهش راه حل‌ها و پدیده‌های جدید بپردازند. مدرسه از عمده‌ترین مراکزی است که باعث القای روحیه تحقیقی به فرهنگ جوانان می‌شود زیرا اگر دانش‌آموزان از ابتدای تحصیل رسمی با چنین روحیه‌ای آشنا و بزرگ شوند در بزرگسالی که کارگزار، تصمیم‌گیر و مسوول می‌شوند به راحتی تحقیق و پژوهش را به عنوان ابزاری نیرومند و کارساز به کار می‌برند. تقویت روحیه تحقیق و پژوهش موجب علاقه و گرایش جوانان به تحقیق در مسائل و معضلات اجتماع شده و این گرایش احساس مسوولیت آنها را تحریک و تقویت کرده و بدین صورت روحیه تحقیق و پژوهش عاملی جهت ایجاد تعهدات اجتماعی و روحیه مشارکت می‌شود (نورانی، ۱۳۸۰: ۲۱).

۷-۳-۲- آموزش تقویت مسوولیت پذیری

مسوولیت از ریشه سوال است و یکی از متداول‌ترین و پرمصرف‌ترین واژه‌ها در زبان فارسی است. مسوولیت در اصطلاح به معنای مسوول بودن و موظف بودن به انجام امری است. مسوول کسی است که وظیفه‌ی برعهده دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می‌شود. توسعه مسوولیت‌پذیری یعنی انسان‌سازی که از وظایف آموزش و پرورش است. از طریق عادت دادن دانش‌آموزان به مشارکت تقویت مسوولیت‌پذیری حاصل می‌شود. نظام آموزش و پرورش باید مشارکت را به جوانان یاد دهد (تصدیقی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۸-۳-۲- جایگزین کردن استراتژی ارزیابی گروهی به جای ارزیابی فردی

لازمه ارزیابی گروهی این است که فعالیت های آموزشی و یادگیری گروهی و جمعی شود. در دو بعد فعالیت های دانش آموزان جمعی و گروهی می شود:

۱. فعالیت های اصلی آموزش و یادگیری که مربوط به تکالیف درسی و زمینه های مختلف علمی است
 ۲. فعالیت های فوق برنامه مانند موسیقی جمعی، سرودخوانی و مشارکت در تمیزی مدرسه.
- ارزیابی گروهی در ابعاد زیر به نهادی شدن فرهنگ مشارکت کمک می کند.
- ساختار جمعی کار کردن در دانش آموزان طراحی می شود.
 - انرژی روانی افراد با هم تلفیق می شود.
 - فرهنگ تسهیم دستاوردهای جمعی به وجود می آید (تصدیقی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۳- نتیجه گیری

مشارکت از آموزه های اساسی ادیان و اخلاق و جزء جدایی ناپذیر زندگانی بشر از کهن ترین ادوار تاکنون است و نمی توان نوع بشر و زندگی او را از مشارکت جدا کرد. مشارکت یک نظام فکری است و بنابراین می توان آن را در حوزه آموزش قرار داد و جزئی از برنامه های تعلیم و تربیت به شمار آورد. تفکر مشارکتی و عادت به مشارکت در نظام آموزشی ایجاد و پرورش می یابد و در جامعه و سازمان ها از آنها بهره برداری می شود. برای اینکه نظام آموزش و پرورش در این کار توفیق پیدا کند باید با ساز و کارهایی باعث نهادی شدن تفکر مشارکتی شود از جمله دانش آموز محور بودن آموزش، اجرا و پیاده سازی روش های جمعی و گروهی در آموزش، انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی مشارکت ساز، تربیت دانش آموزان مشارکت جو با طراحی ساختارهای مشارکت زا، طراحی حلقه های کیفیت، طراحی نظام مدیریت کیفیت فراگیر در نظام آموزشی، طراحی نظام چرخش شغل، طراحی نظام پیشنهادات، حاکم شدن روحیه تفکر علمی و پژوهشی در جوانان، آموزش تقویت مسوولیت پذیری، جایگزین کردن استراتژی ارزیابی گروهی به جای ارزیابی فردی.

فهرست منابع

- احراری، رضا. (۱۳۸۲). «آموزش و پرورش تطبیقی و نظامهای آموزش و پرورش در چند کشور در حال توسعه و توسعه یافته». *دایره المعارف شوراهای آموزش و پرورش*.
- اروجلو، رقیه. (۱۳۹۵). «مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش». *مجله پیوند*. شماره ۴۴۱. صص ۳۱-۳۵.
- تصدیقی، محمدعلی. (۱۳۸۱). «مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش با تأکید بر نگرش روابط انسانی». *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*. دوره ۸. صص ۴۱-۵۲.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانی، ایرج. (۱۳۸۱). «نقش نظام آموزش و پرورش در نهادینه کردن تفکر مشارکتی». *فصلنامه مدیریت*. دوره هشتم. صص ۳۲-۳۹.
- سلیمی، محمدحسین. (۱۳۸۰). «مشارکت و مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش». *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*. دوره هفتم. صص ۶۲-۷۱.
- طوسی، محمد علی. (۱۳۷۱). «مدیریت مشارکت جو». *مدیریت در آموزش و پرورش*. سال اول. شماره ۳. صص ۵۲-۶۱.
- عزیزی، نعمت الله. (۱۳۹۲). «موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران: موردکاوی مدارس غیرانتفاعی». *مجله علوم تربیتی*. شماره ۹۷. صص ۷۵-۹۴.
- نجفی هزارجریبی، حبیب الله. (۱۳۸۸). «شناسایی عوامل درون سازمانی مشارکت معلمان در طرح اقدام پژوهی چالشی جدید در حوزه آموزش و پرورش». *مجله پژوهشنامه تربیتی*. شماره ۱۹. صص ۱۰۰-۱۱۳.
- نورانی، حیدر. (۱۳۸۰). «تعلیم و تربیت: مفهوم مشارکت و فرآیند آن در آموزش و پرورش کشور». *مجله رشد معلم*. شماره ۱۶۴. صص ۲۰-۲۱.